

پیشنهاد آموزشی

مقابله با پژوهش‌نمایی در آموزش عالی

تعداد دانشجویان کشور از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۹۵ از ۱۵۰ هزار به ۴/۵ میلیون نفر رسیده است. یعنی در مدت ۴۰ سال ۳۰ برابر افزایش یافته است. بیشتر این رشد دانشجویی، در دهه ۸۰ اتفاق افتاده است. یکی از پیامدهای منفی رشد و گسترش بی‌رویه آموزش عالی، رواج بی‌اخلاقی در پژوهش‌های دانشگاهی است. پایان‌نامه و مقاله نویسی سفارشی پدیده نسبتاً جدیدی است که به سرعت فراگیر شده است. نمود خارجی این پدیده را می‌توان به صورت آگهی‌های متعدد برای نگارش پایان‌نامه یا مقالات پژوهشی سفارشی دید. این پدیده غیراخلاقی اعتبار و ارزش آموزش عالی را خدشه دار نموده و در صورت تداوم پیامدهای نامناسب و غیر قابل جبرانی را به همراه خواهد داشت. استادان فرهیخته، مدیران و روسای مراکز آموزشی مسئول و دانشجویان طالب علم، با آگاهی از این مسئله و خساراتی که به آموزش عالی وارد خواهد کرد، نگرانی‌های خود را بارها در نوشته‌ها، سخنرانی‌ها، جلسات برنامه‌ریزی و یا شوراها و آموزش و پژوهشی اعلام کرده‌اند. متأسفانه با تمام کوششی که صورت گرفته تاکنون راهکار مناسبی برای مقابله با این مسئله ارائه نشده است. نوشته‌ها و اظهار نظرهایی که در این مورد عرضه شده دلایل مختلفی را برای بروز این وضعیت نامطلوب مطرح کرده‌اند. تعدادی از این نظرات و پیشنهادها، بدون در نظر گرفتن اولویت آنها، در ادامه فهرست شده‌اند.

- نگاه صرفاً توسعه‌ای مدیران و برنامه‌ریزان و غفلت از توسعه پایدار
- رشد و گسترش بی‌رویه آموزش عالی (به عنوان مثال، رشد سالیانه ۱۳/۴٪ تعداد دانشجویان مهندسی در طول دهه ۸۰)
- تراکم و انبوهی جمعیت دانشجویی و عدم رعایت نسبت مناسب استاد به دانشجو (به عنوان مثال، میانگین نسبت استاد به دانشجو در مهندسی یک به ۱۰۰ است)
- توسعه مدرک‌گرایی و افزایش دانشجویان تحصیلات تکمیلی بدون توجه به نیازهای ملی و بازار کار
- ارائه مجوزهای راه‌اندازی دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری در تمام زمینه‌ها، بدون توجه عمیق به شرایط احراز مجوز
- ارائه مجوز راه‌اندازی مراکز یا دوره‌های آموزشی تحصیلات تکمیلی به موسسات آموزشی وابسته به سایر نهادها
- توسعه بی‌رویه مراکز آموزش عالی غیر انتفاعی، که از کمترین امکانات آموزشی برخوردار بوده و آموزش آنها به‌طور عمده بر استادان مدعو متکی است.
- ایجاد دوره‌های متعدد (پردیس‌ها، نوبت دوم، شبانه، ...) به منظور کسب درآمد برای دانشگاه‌ها.
- انتخاب و استخدام متمرکز هیات علمی و بدون در نظر گرفتن شرایط علمی، آموزشی، حرفه‌ای و اخلاقی آنها.
- سیاست زدگی شدید در آموزش عالی و تاثیر سیاست‌های جناحی و سلیقه‌ای بر مجموعه عوامل برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های آموزشی.
- توسعه روند استفاده هر چه بیشتر از اعضای هیات علمی حق‌التدریسی، که حاصل آن حجم زیاد کار و فرصت کم برای پرداختن به وظایف اصلی آموزشی است
- الزام بر انتشار مقالات ISI قبل از دفاع به عنوان یک عامل تضمین کیفیت و اعتبار پژوهش.
- تامین هزینه اکثر پژوهش‌ها توسط خود دانشجویان.
- ...

مرور این نظرات، ضرورت نگرشی سیستمی و جامع بر آموزش عالی ایران و پدیده مورد بحث، یعنی ناراستی‌های آکادمیک را طلب می‌کند.

چه باید کرد؟

سوالی که در اینجا مطرح می‌شود اینست که وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و در کنار آن مراکز آموزشی، برای مقابله با این گونه بی‌اخلاقی‌ها، چه می‌توانند بکنند. به نظر می‌رسد که در سطح مراکز آموزشی، سه گروه بیش از همه در این گونه ناراستی‌های آکادمیک دخیل باشند:

- افراد و مراکزی که اینگونه پایان نامه‌ها و مقالات کاذب را تهیه می‌کنند.
- دانشجویان یا دیگر افرادی که این فعالیت‌های پژوهشی را سفارش می‌دهند.
- اساتیدی که این گونه پژوهش‌ها زیر نظر آنها انجام می‌شود.

مراکز آموزشی معمولاً نمی‌توانند در مورد خاطیان گروه اول، یعنی تهیه کنندگان این پژوهش‌های کاذب، اقدام موثری بنمایند و این ارگان‌های قضایی و انتظامی هستند که باید پیگیر این مسئله باشند. البته می‌توان پیش‌بینی نمود که برخورد قضایی با این گروه نیز به‌تنهایی نخواهد توانست این معضل را حل نماید و حداکثر به‌زیرزمینی شدن اینگونه فعالیت‌ها خواهد انجامید.

تنها محلی که مراکز آموزشی می‌توانند از اختیارات خود برای کاستن از این ناراستی‌ها استفاده نمایند، اعمال کنترل بیشتر بر گروه‌های دوم و سوم، یعنی دانشجویان و اعضای هیات علمی است. به‌طور سنتی، در مراکز آموزشی کشور، برای برخورد با چنین تخلفاتی، دانشجوی خطاکار به‌درجه‌ای مجازات می‌شود. باید توجه داشت که جریمه دانشجویان، گرچه ضروریست ولی به‌تنهایی این معضل را برطرف نخواهد کرد چون زمان ماندگاری دانشجویان در محیط آکادمیک کوتاه بوده و بافت دانشجویی هر چند سال یکبار به‌طور کامل عوض می‌شود (حافظه دانشجویی پاک می‌شود) و گروه‌های جدید به‌سادگی می‌توانند به‌سمت ناراستی‌های اسلاف خود کشانده شوند.

کمی دقت نشان می‌دهد که گروه سوم، یعنی اساتید، که می‌توانند موثرترین نقش را در این مسئله داشته باشند، اغلب مورد غفلت قرار می‌گیرند. این در حالی است که ترکیب و بافت استادان یک مرکز آموزشی معمولاً برای چند دهه ثابت باقی می‌ماند و این حافظه تاریخی طولانی مدت‌تر اعضای هیات علمی، باعث می‌شود که اقدامات در مورد این گروه ماندگاری و تاثیرگذاری بیشتری داشته باشد.

وقتی در یک اداره از کارمندی خطایی سر می‌زند، این فرد می‌تواند با جریمه‌هایی از درج در پرونده، کسر رتبه تا اخراج، روبرو شود. به‌طور مشابه وقتی یک نظامی خطایی را مرتکب می‌شود ممکن است خلع درجه شده و یا توسط دادگاه نظامی جریمه‌های سنگین‌تری را متحمل شود. متأسفانه چنین روالی در مورد اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها جاری نبوده و اگر در آیین‌نامه‌ها هم وجود داشته باشد، در عمل به‌اجرا در نمی‌آید.

چرا اساتیدی که برای طی هر چه سریع‌تر مدارج آکادمیک به‌طور همزمان سرپرستی پایان‌نامه‌های ارشد و دکتری متعددی را تقبل می‌کنند، تا حدی که فرصت یکبار مرور پایان‌نامه‌ها و مقالات تهیه شده را هم ندارند، در این فرایند فراموش شده‌اند. این گونه استادان، که اغلب برای گذران زندگی، مشغله‌های دوم و سوم داخل و خارج آموزش عالی نیز دارند، باید مسئولیت پذیر بوده و در صورتی که پایان‌نامه‌ای را که سرپرستی می‌کنند یا مقاله‌ای را که نامشان در آن درج شده، تقلبی از کار در آمد، پیامدهای آنرا بپذیرند.

خلاصه اینکه، برای حل این مشکل نمی‌توان زیاد به اقدامات بیرون از آموزش عالی دل بست. در چنین شرایطی، این وظیفه دانشگاهیان است که خود به‌پاکسازی محیط آکادمیک از این گونه ناراستی‌ها بپردازند. و بهتر اینست که پاکسازی را از خود، یعنی اعضای هیئت علمی آغاز نمایند. به این منظور پیشنهاد می‌شود که آیین‌نامه‌های موجود بازنگری شده و روال جدیدی در نظر گرفته شود، که در آن وظایف و مسئولیت‌های اعضای هیئت علمی به‌طور شفاف تعیین شده و هزینه‌های مترتب بر عدول از روال عادی، مشخص گردد. به‌دنبال آن می‌توان نسبت به اجرای بدون تبعیض این تصمیمات اقدام نمود. هزینه چنین

ناراستی‌هایی می‌تواند از درج در پرونده عضو هیات علمی آغاز شده، به‌آگهی مراتب جهت عموم، کسر مرتبه علمی (مثلا از دانشیاری به استادیاری) و در صورت تکرار اخراج از محیط آکادمیک منجر شود.

برای کمک به‌مسئولان، جهت پیگیری این امر، پیشنهاد می‌شود که فایل‌های حاوی نسخه‌ی کامل پایان‌نامه‌های انجام شده در سطح ملی، در مرکزی مثل IRANDOC، در معرض دید عموم قرار گیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود تا نسبت به‌تهیه نرم افزارهای مناسب برای مقابله متون پایان نامه‌ها و مقالات به‌زبان فارسی، درست به‌گونه‌ای که هم اکنون در مورد مقالات انگلیسی انجام می‌شود، اقدام شود. به‌این ترتیب، در سیستم گشوده و شفافتری که ایجاد خواهد شد این امکان وجود خواهد داشت که تعداد بیشتری از علاقمندان، پیگیر کشف حقایق و زدودن این گونه ناراستی‌ها باشند.

ح.م.، شهریور ۱۳۹۳